

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گروه باور باران

فعال در عرصه های علمی پژوهشی و فرهنگی



BavarBaran.ir

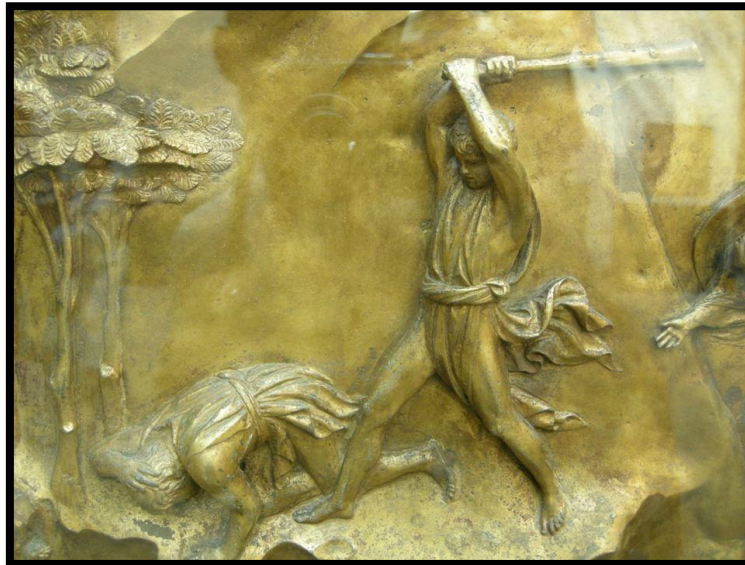
موضوع کنفرانس:

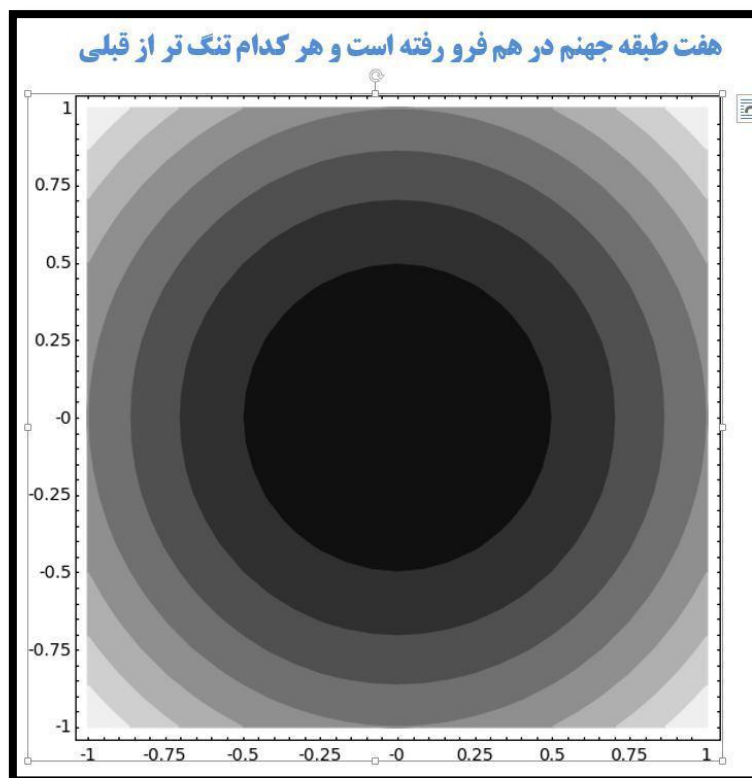
خطبه قاصعه نهج البلاغه (تکبر عامل بدبختی بدترین های خلق)

بخش مجری کنفرانس: دشمن شناسی (جناب آقای محمد مهدوی)

٢٦ ﴿وَآتَلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا
 فَتُقْبِلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُنْقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ
 قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾ لَئِن بَسَطْتَ إِلَى يَدِكَ
 لِنُقْتَلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ
 رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمَكَ فَتَكُونَ
 مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ فَطَوَّعَتْ
 لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الخَاسِرِينَ ﴿٣٠﴾
 فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي
 سَوْءَ أَخِيهِ قَالَ يُنَوِّلتِي أَنْ أُعْجِزْتَ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا
 الْغُرَابِ فَأُورِي سَوْءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٣١﴾

آخرين مبحث جلسه قبل:





صندوق‌های هفتگانه در آتشند. (الخصال / ترجمه جعفری، ج ۲، ص: ۱۰۳)

اسحاق بن عمار از امام کاظم (ع) نقل می‌کند که در يك حدیث طولانی فرمود: ای اسحاق در جهنم يك وادی است که به آن «سقر» گفته می‌شوند و از وقتی که آفریده شده نفس نکشیده است، اگر خداوند به او اجازه نفس کشیدن به اندازه يك نخ بدهد، آنچه روی زمین است، همه می‌سوزند و اهل جهنم از حرارت و بوی گند و پلیدی این وادی و آنچه خداوند در آنجا برای اهلش آماده کرده، (به خدا) پناهنده می‌شوند، و در آن وادی کوهی است که تمام اهل این وادی از حرارت و بوی گند و پلیدی آن و آنچه خداوند در آنجا برای اهلش آماده کرده (به خدا) پناهنده می‌شوند، و در آن کوه دره‌ای است که همه اهل آن کوه از حرارت و بوی گند و پلیدی آن و آنچه خداوند برای اهل آنجا آماده کرده (به خدا) پناهنده می‌شوند، و در آن دره چاهی است که اهل این دره از حرارت و بوی گند و پلیدی آن و آنچه خداوند در آنجا برای اهلش آماده کرده (به خدا) پناهنده می‌شوند، و در آن چاه ماری است که تمام اهل چاه از خباثت و بوی گند و پلیدی آن مار و سمی که خداوند در نیش آن برای اهلش آماده کرده (به خدا) پناهنده می‌شوند، در شکم این مار هفت صندوق است که پنج صندوق از امت‌های پیشین و دو صندوق از این امت است.

گفتم: فدایت شوم آن پنج تا و آن دو تا کدامند؟ فرمود: آن پنج نفر قابیل است که هابیل را کشت و نمرود است که با ابراهیم در باره پروردگارش مناظره کرد و گفت: من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم، و فرعون است که گفت: من پروردگار بزرگ شما هستم و یهود است که یهودی‌ها را یهودی کرد و یونس است که نصرانی‌ها را نصرانی (پولس) کرد و از این امت دو نفر اعرابی هستند. (دو نفر اعرابی که یکی معاویه بوده)



بدی جهنم این است که نتنها در با بدترین چیزها مانند گرما و آتش عذاب می شوی بلکه تحت فشار شدید نیز هستی ، در دنیا کسی دستش بسوزد میدود و یا دست خود را حرکت میدهد که انرژی بابت اون درد تا حدودی تخلیه شود اما در جهنم اینطور نیست!!!

چرا تکبر در انسان وجود دارد یا ریشه دارد

ریشه تکبر اعتماد به نفس و عزت نفس است اگر اعتماد به نفس نبود هیچ انسانی قدمی برای رشد و پیشرفت و یا اختراع و ابتکار بر نمی داشت همه دستاوردهای بشر در حوزه مادی و معنوی از اعتماد به نفس نشات می گیرد

چرا تکبر در انسان وجود دارد یا ریشه دارد؟
 ریشه تکبر اعتماد به نفس و عزت نفس است اگر اعتماد به نفس نبود هیچ انسانی قدمی
 برای رشد و پیشرفت و یا اختراع و ابتکار بر نمی داشت همه دستاوردهای بشر در
 حوزه مادی و معنوی از اعتماد به نفس نشات می گیرد.



عزت نفس باعث می شود انسان سعی کند نیازهای خود را خود تامین کند و دست جلوی
 کسی دراز نکند و یا برای تامین نیازهایش دست به اعمال زشت نزند اگر عزت نفس
 نبود خیلی ها نیازمند و گدا بودند و خیلی ها هم برای تامین نیازهایشان دست به دروغ
 گویی چاپلوسی خود فروشی و .. میزدند.



نامیدی و یاس ← افسردگی



نبود و یا کمبود عزت نفس:
در صورت ضعف این قوه در انسان، او ذلت پذیر شده و برای رسیدن به خواسته ها و نیازهایش ذلت پذیر می شود.

نبود و یا کمبود عزت نفس



اگر این قوه ها مهار نشود تبدیل به چه می شود؟
در صورت عدم مهار از دیاد اعتماد به نفس و عزت نفس تبدیل به به رگه های غرور در قلب انسان شده و اگر مهار نشود غرور شخصیت انسان را گرفته و تبدیل به تکبر می شود.

غرور ۱- (مصدر) فریفتن فریب دادن ۲ - (مصدر) بخود بالیدن مغرور بودن ۳ - (اسم) فریفتگی
۴ - تکبر نخوت ۵ - پندار خیال باطل

تکبر از ریشه کبر می آید به معنی خود بزرگ بینی



خطبه قاصعه نهج البلاغه تکبر عامل بدبختی قابیل!
به خدا سوگند، او بر اصل شما فخر کرد، و گوهرتان را پستتر از گوهر خود شمرد، و بر تبارتان حمله آورد و سوارانش را بر سر شما تازاند و با پیادگانش راهتان را مسدود گرداند چنانکه از هر جا شکارتان می‌کند و انگشتانتان را می‌برد، و به حيله و دسیسه نمی‌توانید (از ایشان) سرباز زنید، و به تصمیم و اراده نمی‌توانید (آنها را) دفع نموده از خود دور نمائید، در حالیکه شما در انبوه ذلت و خواری و دائره تنگ و عرصه مرگ و جولانگاه بلاء و سختی (دنیا گرفتار) هستید.

پس آتش عصبیت را که در دلها تن نهفته است خاموش سازید و کینه‌های جاهلیت را براندازید که این غرور در مسلمان از آفتهای شیطان است و نازیدنهای او و افسون دمیدنهای او. تاج افتخار فروتنی را بر سرهای خویش نهید، و گردنفرازی را به زیر پاهای خود بیفکنید، و - رشته - تکبر را از گردنهایتان فرود آرید، و افتادگی را همچون مرزی میان خود و دشمن بشمارید: شیطان و سپاهیان او، که او را در هر ملّتی سپاهیان است و یاران و پیادگان و سواران.

و مانند متکبر کردن کش (قابیل فرزند آدم علیه السلام) بر فرزند مادرش (هابیل) نباشید (تعبیر از هابیل به فرزند مادر قابیل با اینکه هر دو از يك پدر و يك مادر بودند برای آنست که مهربانی دو برادر از يك مادر بیشتر است از مهربانی دو برادر که از دو مادر باشند)

که بر او تکبر نمود بدون اینکه خداوند در او فزونی قرار داده باشد جز آنکه کبر و بزرگی ناشی از رشک باو روی آورد، و از آتش خشم در دل او تعصب افروخته شد، و شیطان باد کبر و سر بلندی در بینی او دمید، چنان خود خواهی و گردنکشی که خداوند پس از کبر و سر بلندی او را پشیمانی داد و گناه کشندگان را تا روز رستاخیز همراه او گردانید.

چنانکه در قرآن کریم سوره مائده آیه های ۳۱ و ۳۲ می فرماید:

﴿ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴾

مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

چون قابیل هابیل را کشت از جمله پشیمانان گردید، از اینرو به بنی اسرائیل دستور دادیم که هر که بکشد کسی را بی آنکه او دیگری را کشته یا فساد در زمین کرده باشد که موجب کشته شدن گردد، پس چنان است که همه مردم را کشته باشد.

نهج البلاغه / ترجمه شهیدی، متن، ص: ۲۱۲



عاقبت متکبر شیطان پرستی (آتش پرست شدن قاییل)



بزرگترین متکبر ابلیس است با سابقه ۱۲۰۰۰ سال تکبر

